



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



جليل غنی هروی

۲۰۱۹/۰۴/۱۵

## شرایط خاص تدویر لویه جرگه ها

درین روز ها کوشش ها برای تدویر لویه جرگه جریان دارد اما اکنون که بنیاد یک اجتماع دموکراتیک و اساس یک دولت قانونمند گذاشته شده است و قانون اساسی افغانستان شرایط و مشخصات دایر شدن لویه جرگه و اعضای آنرا پیش بینی نموده، باز هم ضرورتی به تشکیل یک لویه جرگه دیده می شود یا خیر؟ و اگر دیده می شود آیا قانون اساسی افغانستان تدویر چنین جرگه ای را تحت چه شرایطی حکم میکند؟ آیا با موجودیت قوه مقننه یعنی شورای ملی افغانستان مرکب از هر دو بخش آن، ولسی جرگه و مشرانو جرگه، که نمایندگان منتخب مردم افغانستان هستند ضرورت دست چین نمودن تعدادی و گرد آوردن آنها زیر نام لویه جرگه میتواند مشروعیت داشته و از تمام مردم افغانستان نمایندگی نماید؟ در حالی که قانون اساسی افغانستان نهادی را به نام لویه جرگه مشورتی پیش بینی نکرده و حتی فیصله های آن الزام اجرائی ندارد، می تواند چنین جرگه ای مشروعیت قانونی داشته باشد؟ این ها و سوالهای دیگری هست که باید به آن جواب داده شود و اذهان روشن گردد تا از بی اعتبار ساختن این ساختار تاریخی به نام "لویه جرگه" که در طول تاریخ مدون افغانستان نقش کلیدی داشته و کشور را در نبود دولت و ارگانهای قانونی، به نمایندگی از مردم از بحران نجات داده جلو گیری شود و تقدس این عنعنۀ که نمادی از سهم گیری مردم افغانستان در قضایای کلان ملی است، لکه دار نگردد.

لویه جرگه ها در افغانستان تحت شرایط و اوضاع خاص در حالی دایر گردیده که یا پارلمانی وجود نداشته و یا هم چگونگی تدویر لویه جرگه در قوانین پیشبینی نشده بود و سلطان و زمامدار، هر زمانی که لازم دیده اشخاص دست چین را از ولایات به حیث اعضای لویه جرگه انتصاب کرده است تا برخاسته های شان مهر تائید بگذارند و این نهاد دموکراتیک را به جزئی از بیروکراسی دولت تبدیل کرده اند. شکی نیست که لویه جرگه ها نقش کلیدی در زمان های مشخص در تحکیم ثبات و تشکیل دولت ها و همچنان فیصله و تصمیم گیری های سرنوشت ساز برای مملکت ایفا کرده، ولی این در حالی بوده که دولت فاقد قوه مقننه و قانون مدون بوده است و یا هم برای تصویب و تائید قانون اساسی جدید، تشکیل نظام جدید و یا هم موضوعات مهم دیگر مثل شمولیت افغانستان در جنگ های منطقوی و بین المللی دایر شده است.

لویه جرگه که نام آن از کلمات خالص و سچۀ پشتو (لویه) و دری (جرگه) ترکیب گردیده و نمادی از تمام مردم افغانستان است، به حیث با اعتبار ترین مرجع تصمیم گیری در زندگی مردم افغانستان نقش داشته است و در موارد خاص و اضطراری به ابتکار بزرگان قوم و نمایندگان تبار های مختلف، دایر گردیده است.

لویه جرگه اساساً از عنعنۀ قومی برای مشوره در شرایط خاص برای رسیدگی و حل و فصل موضوعات عمده و مبرم و سرنوشت ساز، که حیات سیاسی و اجتماعی و یا هم تمامیت ارضی و حاکمیت ملی مواجه به خطر بوده، دایر گردیده است. این جرگه بیشتر در زمانی دایر گردیده که دولت ها در مراحل ابتدائی زندگی و بدون نهاد هایی به نمایندگی از مردم عامه، مثل پارلمان ها و یا شورا های قومی و مردمی بوده و دولت ها برای نظر خواهی و یا مشوره در مسایل مبرم سرنوشت ساز نمایندگانی را از نقاط مختلف تحت سلطۀ شان دعوت به مشوره می نمودند و یا هم در حالاتی که اختلافات در دستگاه حاکمه به حدی می رسید که دیگر حضور دولت به حیث یک مرجع اداره کننده مورد سوال قرار می گرفت، دایر شدن چنین جرگه تقاضا می شد. در چنان دورانی نه قانون و مقرراتی وجود داشته نه هم مرجع قانون گذار و یا تطبیق کننده قانون، بلکه پادشاه یا امیر و یا هم حاکم منطقه هم قانون بوده است و هم تطبیق کننده قانون، یعنی دولت مطلقه با حاکمیت مطلقه و یا شخصی که زمام امور را به دست داشته است. ولی آیا حالا اوضاع در افغانستان در چنان مرحله وخیم و خطر کلی نابودی و یا سقوط قرار گرفته که لزوماً باید لویه جرگه دایر گردد؟ و آیا مطابق به قانون اساسی افغانستان، دولت

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

يادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

که مطابق به قانون اساسی یگانه مرجع تشکیل دهنده لویه جرگه شناخته می شود، دلایل مقنع برای تدویر چنین جرگه ای دارد؟ و آیا قانون اساسی جرگه های مشورتی را پیشبینی کرده است؟  
به بینیم قانون اساسی افغانستان چه احکامی برای تدویر لویه جرگه دارد  
نگاهی گذرا به احکام قانون اساسی افغانستان  
ماده ۱۱۰: لویه جرگه عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان می باشد.  
لویه جرگه متشکل است از:

۱ - اعضای شورای ملی  
۲ - روسای شورا های ولایات و ولسوالی ها  
در رابطه به احکام این ماده قانون اساسی دیده می شود که نخست اعضای شورای ملی نا مکمل است زیرا تا کنون انتخابات شورا های ولسوالی ها انجام نشده و فقره دوم ماده ۸۴ چنین حکم میکند: اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می شوند:

۱ - از جمله اعضای شورای های هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت چهار سال  
۲ - از جمله اعضای شورا های ولسوالی های هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورا های مربوط برای مدت سه سال همانطوری که گفته شد هم اکنون سی و چهار عضو مشرانو جرگه، اعضای شورا های ولسوالی ها، که به حکم قانون یکی بخش عمده اشتراک کنندگان در هر لویه جرگه میباشند، غایب بوده و چنین جرگه ناقص و نمی تواند نصاب لازمه را به موجب احکام قانون اساسی تکمیل نماید  
و در مورد شرایط مشخص تدویر لویه جرگه قانون اساسی افغانستان احکام مشخصی دارد به این ترتیب:  
ماده ۱۱۱: لویه جرگه در حالات ذیل دایر میگردد:

۱ - اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور.  
۲ - تعدیل احکام قانون اساسی

۳ - محاکمه رئیس جمهور مطابق به حکم مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی.  
با اعلام تصمیم به دایر نمودن لویه جرگه مشورتی که از آن در هیچ جای قانون اساسی تذکری نرفته و محض تصمیم دولت برای تشکیل چنین جرگه است تعدادی از گروه ها و شخصیت های سیاسی مطرح، این جرگه را تحریم و عدم اشتراک شان را درین جرگه اعلام نمودند که از جمله می توان از داکتر عبد الله و تیم انتخاباتی او شامل جمعیت اسلامی، حزب وحدت اسلامی کریم خلیلی، جنبش ملی مربوط به رشید دوستم، تیم انتخاباتی حنیف اتمر و متحدان او، گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی، احمد ولی مسعود کاندید دیگر ریاست جمهوری و رحمت الله نبیل یکی دیگر از کاندیدان ریاست جمهوری و تیم های انتخاباتی شان و تعداد دیگری از سیاسیون و گروه های سیاسی، این جرگه را تحریم نموده و آنرا جزئی از مبارزات انتخاباتی آقای اشرف غنی خوانده اند که به گفته آنها کمکی در رفع مشکلات موجود نمی کند. نا گفته نباید گذاشت که صحنه های از انتخابات اعضای این جرگه در چندین ولایت که در شبکه های نشراتی انعکاس یافت هرج و مرج و بی نظمی و حتی مشت و گریبان شدن و ادعا های دست بازی ها و تقلب های گسترده در تعیین نمایندگان نشان می داد.

در صورتی که چنین جرگه و تجمعی از طرف تعداد قابل ملاحظه گروه ها و شخصیت های سیاسی، که بخواهیم و یا نخواهیم در روند سیاسی آینده افغانستان نقش دارند و می توانند حتی بر هر گونه تصمیم این جرگه تاثیر گذار باشند، اشتراک نکنند، آیا این جرگه می تواند از مشروعیت نسبی بر خور دار باشد و تصامیم آن، گر چه الزام اجرائی ندارد، می تواند بر روند سیاسی و یا صلح با طالبان، که تحت همین شعار دایر میگردد، اثر گذار باشد.

از جانب دیگر در حالی که هم قوه مقننه مرکب از ولسی جرگه و مشرانو جرگه بر حال است و هم شورای عالی صلح با تمام تشکیلات عریض و مصارف گزاف وجود دارد و هم شورای رهبری مصالحه که جدیداً تشکیل گردیده و قرار است یک هیات ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفری به انتخاب این شورا و حکومت، روز پنجمین برای گفت و گو با طالبان به قطر برود، و در حالی که خطوط سرخ گفت و گو و مذاکره با طالبان هم تثبیت گردیده که شامل حفظ نظام "جمهوری اسلامی افغانستان"، برگزاری انتخابات و حفظ قانون اساسی است و گفته شد که اگر قرار باشد موادی از قانون اساسی تعدیل شود، باید از مجرای قانونی صورت گیرد ولی خود قانون اساسی "قابل تعویض نخواهد بود."، تشکیل و تدویر یک جرگه دیگر از طرف دولت بی نظمی و بی اعتباری نهاد های قبلی مثل شورای ملی، شورای عالی صلح، شورای رهبری مصالحه نخواهد بود و مانعی دیگری را در راه پیشرفت گفت و گو های صلح و یا هم تاخیر و یا بن بست در رسیدن به یک نتیجه نخواهد بود؟

**نگاهی به پیشینه لویه جرگه ها در افغانستان:**

با نظری گذرا به تاریخچه جرگه ها در افغانستان می توان دریافت که این جرگه ها در چه شرایطی برای تشکیل حکمرانها و یا هم مشوره با دولت های وقت و تصامیم سرنوشت ساز دیگر دایر شده است.

۱ - نخستین جرگه ملی در سال ۳۶۶ هجری قمری مطابق ۹۷۷ میلادی زمانی دایر گردید که اختلافات در داخل خانواده غزنویان، سلطنت را به خطر سقوط مواجه ساخته بود. این جرگه بعد از مباحثات طولانی

ناصرالدین ابن سبکتگین را به حیث یک رهبر برگزید. وی در زمان رهبری خویش خدماتی را به این امپراطوری انجام داد که تا همین اکنون از او به نیکوئی یاد می شود.

۲ - جرگه دیگر ملی در سال ۱۰۸۸ هجری قمری مطابق ۱۷۰۹ میلادی به اشتراک بزرگان، خوانین، رهبران مذهبی در شهر قندهار دایر شد. این جرگه به حکمرانی شاه حسین صفوی در قندهار خاتمه داده و با اعلام یک حکومت مستقل ملی در آن شهر، میرویس خان هوتک را به حیث رهبر انتخاب نمود. این جرگه زمینه بر گذاری جرگه دیگری را در سال ۱۰۹۶ هجری قمری مطابق ۱۷۱۷ میلادی در شهر قندهار مساعد ساخت و یک جنبش ملی را در مقابل سلطه آنچه که امروز به نام ایران یاد می شود، تنظیم و تشکیل داد و دولت مستقلی را در هرات تأسیس نمود.

۳ - جرگه ملی ۱۱۲۶ هجری قمری مطابق ۱۷۴۷ میلادی بعد از مباحث طولانی احمد شاه ابدالی رهبر جبهه مقاومت در برابر اقتدار ایرانی ها را به حیث پادشاه افغانستان تعیین نمود.

۴ - جرگه سال ۱۲۵۷ هجری قمری مطابق ۱۸۴۱ میلادی در جریان جنگ اول افغان و انگلیس دایر شد. این جرگه مبارزات آزادی خواهانه مردم افغانستان را رهبری نموده و وزیر محمد اکبر خان، یک تن از رهبران معروف جبهه مقاومت علیه انگلیس ها را به حیث رهبر سیاسی و نظامی افغانستان برگزید.

۵ - در سال ۱۲۴۴ هجری قمری مطابق ۱۸۶۵ میلادی با بروز یک سلسله اختلافات در داخل سلطنت امیر شیرعلیخان، ضرورت احساس گردید که به مشورت و رأی مردم مراجعه شود. این جرگه با رفع اختلافات در خانواده سلطنتی، سلطنت امیر شیرعلیخان را استحکام بخشید.

۶ - اصطلاح لویه جرگه برای اولین بار در سال ۱۳۰۱ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۲۲ میلادی در زمان سلطنت شاه امان الله خان به کار برده شد. درین جرگه نمایندگان مردم اولین قانون اساسی افغانستان را به نام «نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان» تصویب نمودند.

۷ - جرگه دیگری در سال ۱۳۰۳ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۲۴ میلادی دایر گردید که بعضی از مواد این نظامنامه را تعدیل نمود و یک سلسله نظامنامه های دولتی را تصویب کرد.

۸ - لویه جرگه سال ۱۳۰۷ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۲۸ میلادی شورای عالی دولتی را ملغی اعلام نمود و به عوض آن شورای ملی را به حیث اولین پارلمان انتخابی در افغانستان تأسیس کرد.

۹ - لویه جرگه ۱۳۰۹ هجری قمری مطابق ۱۹۳۰ میلادی بعد از حکومت نه ماهه حبیب الله کلکانی، به ابتکار محمد نادرشاه دایر گردید. این لویه جرگه قانون اساسی جدید و توأم با آن قانون انتخابات پارلمانی را برای ایجاد یک پارلمان جدید تصویب نمود. این لویه جرگه همچنان حدود صلاحیت های ارگان های دولتی را تعیین کرد.

۱۰ - لویه جرگه ۱۳۲۰ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۴۱ میلادی به ابتکار محمد ظاهرشاه دایر شد و بر خلاف تشویق کشور های خارجی برای دخیل شدن افغانستان در جنگ دوم جهانی، بر بیطرفی افغانستان تأکید نمود.

۱۱ - در سال ۱۳۴۳ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۶۴ میلادی لویه جرگه دیگری به ابتکار محمد ظاهر شاه دایر شد و قانون اساسی جدید افغانستان را تصویب کرد که سلطنت را از حکومت جدا نموده و شاهی مشروطه را پایه گذاری نمود.

۱۲ - پس از سقوط سلطنت و نظام شاهی مشروطه طی یک کودتا به رهبری محمد داود خان به تاریخ ۱۰ دلو ۱۳۵۵ لویه جرگه ای مرکب از ۳۲۵ نفر، پس از ۱۵ روز بحث و استدلال به تاریخ ۲۵ دلو ۱۳۵۵ قانون اساسی جدید را در ۱۳ فصل و ۱۳۶ ماده تصویب کرد و شخص داود خان هم در همین جرگه به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد.

۱۳ - در لویه جرگه ۸ و ۹ قوس سال ۱۳۶۶، قانون اساسی جدیدی به تصویب رسید و داکتر نجیب الله به عنوان رئیس جمهور به تاریخ ۱۳۶۶/۹/۹ آن را توشیح کرد و «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» را ملغاً ساخت. این قانون به تاریخ ۱۳۶۹/۳/۸ توسط لویه جرگه ای، مرکب از ۷۷۲ عضو، مجدداً مورد تعدیل و بازنگری قرار گرفت.

۱۴ - لویه جرگه قانون اساسی پس از سقوط نظام طالبی، مرکب از ۵۰۲ نفر، نمایندگان انتخابی و انتصابی از ۲۲ قوس الی ۱۴ جدی ۱۳۸۲ این قانون را در خیمه لویه جرگه مورد بحث قرار داده و به تصویب رسانید و در ۶ دلو ۱۳۸۲ توسط حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح شده و انفاذ آن اعلام شد.

بدین ترتیب دیده می شود که جرگه های ملی تا زمان شاه امان الله که آنرا لویه جرگه نام نهاد، تحت چه شرایط و اوضاعی دایر شده است. ولی نقش این جرگه ها بخشی از عنعنات و روش جامعه افغانی بوده و در تشکل حیات سیاسی و تصامیم سرنوشت ساز به خصوص در آوانی که پارلمانها و نهاد های به نمایندگی از مردم افغانستان وجود نداشته، برارنده و لازمی بوده و این جرگه ها نمادی از یک پروسه دموکراتیک ولی به شکل عنعنوی و ابتدائی آن بوده است. ولی آیا حالا با موجودیت نمایندگان منتخب مردم از سراسر افغانستان چنین جرگه ها باز هم چنان نقشی دارد؟

پایان

در پیشینه لویه جرگه ها از کتاب «جرگه های بزرگ افغانستان» اثر جناب محمد علم فیض زاده استفاده شده است.

---

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ